

# مبلغان و پدیده کم حجابی

۴

یوسف غلامی

نابهنجاری ایشان است. مربی بدین وسیله می‌داند که هدایت فرد را از کجا آغاز کند و به کجا پایان برد، با دلجویی از او وی را با خود همراه سازد و خیراندیشی‌اش را به او ثابت کند.

در میان عوامل و انگیزه‌های روانی کم‌حجابی بانوان چند عامل از اهمیت بیشتری برخوردار است، که در این نگاه‌ها به آن خواهیم پرداخت:

## ۱- در جست و جوی شخصیت اجتماعی

در نهان آدمی یک مرکز سنجش و جست و جو وجود دارد که «خویشتن» فرد یعنی تفکرات، رفتارها و آرزوهای او را ارزیابی و قیمت‌سنجی

در گفتارهای پیشین پیرامون پدیده کم‌حجابی بانوان نکاتی یاد شد. در آنچه گفته شد این نکته مورد تأکید قرار گرفت که چنین نیست که دختران و زنان پیوسته کم‌پوشیدگی را به منظور فسادآفرینی برگزیده باشند. درک این واقعیت سبب می‌شود که مربی در هدایت افراد سنجیده‌تر گام بردارد و به عوامل و انگیزه‌های روانی رفتار اشخاص بیشتر توجه کند و از فرو افتادن در چاره‌جویی‌های انحرافی و بی‌نتیجه در امان ماند و بی‌سبب افراد را به لجاجت در رفتار خود وا ندارد.

تشخیص صحیح انگیزه افراد مهم‌ترین قدم در راه بر طرف کردن

تهی تر می‌شود توجه او به ظاهر، بیشتر می‌گردد. نمای ظاهر (شامل وضع لباس، خانه، ماشین و ...) بهترین ابزار برای پوشش «ضعف‌های ناپیدای شخصیتی» است.

در اصلاح این رفتار، بهترین تذکر، بیان این فرموده حضرت صادق علیه السلام است. یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: نزد آن حضرت از برخی گفتارهای مردم گله کردم. حضرت فرمود: «بدان که تو شیعه راستین ما نیستی مگر آنگاه که اگر در دستت مرواریدی باشد و همگان بگویند پاره‌سنگی در دست اوست، اندوهگین نشوی. و اگر گردویی در دستت باشد و همه بگویند قطعه‌ای مروارید در دست اوست، اندوهگین نگردی.»<sup>۱</sup>

وظیفه مربی و مبلغ آن است که مخاطبان خود را با ارزش‌های حقیقی و پوشالی آشنا کند. منزلت فضایل اخلاقی و صفات انسانی و نیز بی‌مقداری امور ناپایدار دنیوی را برای وی آشکار سازد. مبلغی که نتواند در افکار و اعتقادات مخاطبانش نفوذ کند فرد موفق نیست. وی باید بتواند با

می‌کند. آن مرکز در درون هر فردی که شخصیت او دچار اختلال و فطرت وی دستخوش تغییر نشده باشد، به انجام وظیفه می‌پردازد.

از ابعاد دقت آن مرکز ارزیابی، یکی آن است که میان شخصیت حقیقی فرد و آنچه به وسیله آن‌ها موقعیت و نفوذ اجتماعی یافته است، تمایز و تفاوت می‌نهد. ارزش فرد را که به فضایل درونی و صفات انسانی اوست با نمودار بیرونی او که خانه و پوشاک و شغل و ماشین و ... است، از یکدیگر جدا می‌سازد و هر دو را متمایز از یکدیگر به شخص تفهیم می‌کند.

آنگاه که فرد در اندیشه فرو می‌رود تا ارزش خویشتن را که به تفکرات، رفتارهای انسانی و آرزوهای بهادر است بسنجد و چیزی در درون نمی‌یابد، به بخش دیگر وجود خود، یعنی امکانات رفاهی زندگی، شغل، امتیازات جسمی و ظاهری و ... رو می‌کند تا به کمک آن‌ها منزلت نیایافته‌اش را به شکل مجسمه‌ای توخالی، تصویرسازی و ترسیم کند و از هیچ، چیزی بسازد و از رنج پوچی برهد. هر چه آدمی از باطن

**مبلغی که نتواند در افکار و اعتقادات مخاطبانش نفوذ کند فرد موفق نیست. وی باید بتواند با نفوذ در ناخودآگاه افراد**

**به زودی پی ببرد که علت و انگیزه رفتارهای ایشان چیست؟ فرد از چه هراس دارد و به دنبال چیست؟**

**فرد از چه هراس دارد و به دنبال چیست؟**

**مسائل معنوی و اخلاقی برای وی تا چه میزان بها دارد و چرا می‌کوشد که با حفظ ظاهر، آنچه ندارد**

**پوشاند**

خود را به دیگران ثابت کند. دختران و زنان کم پوشش، هر چند کم دانش و سست ایمان باشند، خود را به داشتن دو امتیاز، شایسته و بالاترین احترامات می‌شناسند:

- جنبه‌های معنوی که هدف

نفوذ در ناخودآگاه افراد به زودی پی ببرد که علت و انگیزه رفتارهای ایشان چیست؟ فرد از چه هراس دارد و به دنبال چیست؟ مسائل معنوی و اخلاقی برای وی تا چه میزان بها دارد و چرا می‌کوشد که با حفظ ظاهر، آنچه ندارد بپوشاند.

نیز باید وی را بیدار ساخت تا معیارهای صحیح داشتن شخصیت را بشناسد و از طرفی مطمئن شود که هستند افراد بسیاری که توجه به ظواهر، آن‌ها را از توجه به باطن غافل نمی‌کند و به خوبی می‌توانند دریابند که بسا جلوه‌های ظاهر که حکایت از پوچی باطن می‌کند. هرگاه کسی از ارزش حقیقی دیگری پرشش می‌کند، وی نمی‌تواند بهای پوشاک و فرش و ماشین و خانه‌اش را قیمت خود بداند. این‌ها همه امکانات پیرامون اوست نه ترجمه ارزش او.

## ۲- اثبات لیاقت

همه ما به منظور ارضای حس شایستگی می‌کوشیم تا لیاقت خود را با فعالیت‌هایمان به اثبات برسانیم. اما گاه این حس دچار انحراف می‌گردد و شخص نمی‌داند که به چه وسیله لیاقت

آفرینش زن بوده است.

- سرخورداری از ظرافت‌های زنانه که نزد مرد بسی دارای اهمیت است.

اگر دختر یازنی باکم حجابی خود می‌کوشد تا نظر دیگران را به امتیازات ظاهری خود جلب کند، تلاشش سراسر به منظور به رخ کشیدن ظرافت‌های زنانه نیست. این هدف، دام هدف والاتر است. او می‌خواهد بدین وسیله تماشاگر خود را بدین حقیقت معترف سازد که زن شایسته احترام و بزرگداشت است و نزد او چیزی است که باید شناخته و مورد توجه قرار گیرد. زن در وجود خود نیروی متراکم آزاد نشده‌ای سراغ دارد که نمی‌داند باید از چه راهی آن را آزاد کند و دیگران را از وجود آن با خبر سازد.

بنابراین از بخشی از نیروهای آماده و آشکار خود استفاده می‌کند تا شاید بتواند راهی برای نفوذ در دل‌ها بیابد و قدرت و استعداد خود را به اثبات رساند.

در این مرحله ضروری‌ترین طرح، جلب اعتماد بانوان است. هرگاه

آنان مطمئن شوند که جامعه ارزش‌های معنوی ایشان را می‌شناسد و به آن ارجح می‌نهد شتاب‌زده برای اثبات آن ارزش‌ها، به جلوه‌نمایی رو نمی‌کنند. وقتی ارزش حقیقی و راستین زن به خود وی و جامعه‌اش شناسانده نشود، از آنجا که جلوه‌ظاهر اندام او برای مرد بسیار فریبنده و جاذبه‌آفرین است، پیش از آنکه آن جلوه‌ظاهر، پرده از قدرت معنوی او بردارد، مرد را گرفتار خود می‌کند و زن نیز از هدف اصلی‌اش دور می‌ماند و به تدریج گویا فراموش می‌کند که از آن همه جلوه‌نمایی‌ها، هدفی دیگر داشته است که خود و تماشاگرانش از آن دور شده‌اند.

افزون بر این، باید زن را بدین فرموده حضرت سید الشهداء علیه السلام آگاه ساخت که: «مَنْ خَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى كَانَتْ أَقْوَاتٌ لِمَا يَرْجُو وَآسْرَعُ لِحُجْبِيءٍ مَا يَحْتَذِرُ»<sup>۲</sup> آن که بسخواهد از راه نافرمانی خدا به هدفی دست یابد، هر دم آنچه بدان امید داشته بیشتر از دست می‌دهد و در آنچه هراس داشته است سریع‌تر وارد می‌گردد،»

زمانی که زن به وسیله جلوه‌نمایی

پذیرفتگی، نیرومندترین محرک زندگی زن است. او از ارائه زیبایی و دلربایی و حتی افتخارات تحصیلی و امتیازات اجتماعی بیشتر بدین می‌اندیشد که وجودش مورد تحسین و تمجید و مایه شگفتی قرار گیرد. پذیرفته شدن نزد مردم و مورد پسند آنان قرار گرفتن، زن را آرامش و امنیت می‌بخشد و به زندگی دلگرم می‌کند و اندوه آرزوهای بریاد رفته و ناکامی‌ها را از او دور می‌سازد. شاید به همین سبب است که گروه بیشماری از زنان و دختران کم‌پوشش، آن‌ها را که در زندگی با شکست روبه‌رو شده‌اند یا نتوانسته‌اند محبت فردی را به خود جلب کنند یا امتیازات خود را نزد آشنایان به اثبات رسانند.

نخستین وظیفهٔ مربی آن است که احساس (پسندیدگی و تحسین برانگیزی) را هدیهٔ خدا و جزو سرشت زن بشناسد نه پدیده‌ای به منظور ایجاد انحراف. بنابراین، زنان پاکدامن و تربیت یافته نیز از آن‌گزیری ندارند؛ جز آن‌که با نداشتن اعتقادات صحیح دینی، ضوابط آن در نظر گرفته نمی‌شود و آنچه هدیهٔ خداست عامل

**مربی وظیفه دارد  
میدان فعالیت‌های مباح  
زنان را که زن می‌تواند بدین  
وسیله استعدادهای خود را  
شکوفا سازد  
و از تحسین و تمجید  
دیگران بهره‌مند شود،  
به وی نشان دهد**

خود در پی اثبات توانایی خویش برآید از این امر غافل است که این شیوه رفته‌رفته روزنه‌های انحرافات تازه‌تری را بر وی می‌گشاید و زمینه سودجویی هوسرانان را بهتر و بیشتر فراهم می‌سازد و آنگاه جامعه چنان از معنویات دور می‌گردد که نه فقط ارزش معنوی زن را که حقایق ارجمندتر از آن را هم نه می‌شناسد و نه پاس می‌دارد.

**اشتیاق به پسندیدگی و  
تحسین برانگیزی**  
تمایل به برانگیختن احساسات  
دیگران و اشتیاق به پسندیدگی و

لغزش و انحراف می‌شود.

در پی هدفمند کردن این تمایل ذاتی و به منظور بهره‌برداری هر چه بهتر از آن و در امان ماندن اجتماع از آثار زیانبار انحراف آن، این اصول را باید از نظر دور نداشت:

۱- چنان که خدای متعال میل به دلربایی را در زن شدت بخشیده است، دوست داشتن پاکی و شرم را نیز تا حد بالا به وی ارزانی نموده تا وی این تمایل سرکش را در یک نقطه متمرکز سازد و آنچه می‌تواند در جلب توجه و حمایت همسر بکوشد و وی را بدین وسیله از گناه حفظ کند و نیروی او را در تأمین نیازمندی‌های زندگی و چرخ اقتصاد به حرکت درآورد.

مربی وظیفه دارد میدان فعالیت‌های مباح زنان را که زن می‌تواند بدین وسیله استعدادهای خود را شکوفا سازد و از تحسین و تمجید دیگران بهره‌مند شود، به وی نشان دهد.

۲- تربیت دینی دختران و زنان سبب می‌شود که مرز تمایل آنان به جلوه‌گری و تحسین برانگیزی به حوزه‌های ناجایز گسترش نیابد. در غیر این صورت او پیوسته برای نیل

بدان خواسته، می‌کوشد تا محیط بهره‌وری خود را گسترش دهد و دایره مشتاقانش را توسعه بخشد و هر عامل بازدارنده مانند حجاب را برای خود و آرزوهایش عنصر ناکامی بشناسد.

والدین و مربیان وظیفه دارند ضمن آشنا ساختن این فرد با ضوابط اسلامی، به او تفهیم کنند که رها کردن این تمایل نه تنها به وی آرامش نمی‌دهد و حس پسند آمدن او را ارضاء نمی‌کند، به زودی او را در جلب نظر بیگانگان، بی‌قرار می‌گرداند.

۳- برگزینی راه صحیح ارشاد دختران و زنانی که از زیبایی برخوردار نیستند یا اندام موزونی ندارند و بسا به نقص بدنی گرفتارند، اندکی دشوارتر است. این افراد به دلجویی و توجه بیشتری نیازمندند. نیز باید ایشان را به نیروهای درونی و استعدادهای پنهانشان زودتر آگاه ساخت تا مبادا برای اثبات شخصیت و ارضای حس پذیرفتگی به روش‌های انحرافی مانند کم‌حجابی رو کنند.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۶
- ۲- کافی، ج ۲، ص ۳۷۳، ج ۳.